

### متن پرسش

سلام استاد عزیز خدا قوت. استاد قلبم سنگینه. حال دلم یجوریه، دارم اذیت میشم یه مدته خدا بهم لطف کرده با سه تا بچه تو چند تا مجموعه دارم ایده میدم و اجرا می‌کنم. برخورد اطرافیان هم بهم بال و پر دادن. حالا توی خودم فکر کردم خیریه. گاهی شکر و گاهی استغفار می‌کنم. به خودم متذکر میشم ولی چیزی در درونم بیخودی باد کرده و نمی‌ذاره راحت نفس بندگی ام بالا بیاد. داره بهم فشار میاد حس می‌کنم اخلاص کارم داره کم میشه. دوست دارم ازم تعریف میکنن انگار نفسم نمیتونه از تصمیمات مدیرها بی خبر باشه. دلم میخواد همه جا خودم مدیر باشم و نظر دهنده. برای این کار تلاش می‌کنم تا جایی که به خواسته ام می‌رسم و بعدش... می‌خواستم از بعضی انصراف بدم و به جای مسئول اصلی مسئول فرع بشم و نخوام همه جا خودم نظر بدم اما گفتم شاید پاک کردن صورت مسئله باشه. امیدوارم خدا از طریق شما راه نجاتی بفرسته برام.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: «ره رو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود / ره رو آن است که آهسته و پیوسته رود». آری! هنر ما گشودگی نسبت به نظر و نظریات دیگران است و نه در خودماندن. موفق باشید